

# سیاوشان روزگار ما

در روز جهانی آتش نشان از ماجرای مرگ مغزی یکی از این عزیزان بعد از دادن ماسک اکسیژنش به دختر ۸ ساله و انواع جان فشانی ها در پلاسکو، متروپل و... گفتیم

مجید حسین زاده | روزنامه نگار

## پرونده

جان شان را کف دست شان گرفتند و هر عملیات، ممکن است آخرین باری باشد که برای نجات هموطنان شان به دل خطر می زنند. فداکاری ها، از خود گذشتگی ها، جوانمردی ها و شجاعت آتش نشان ها همیشه نقل محافل است و هر از گاهی شبکه های اجتماعی روایتگر لحظات پر استرسی می شود که آن ها پشت سر می گذارند. آتش نشان ها انسان های شجاعی هستند که خود را به خطر می اندازند تا جان ما و مردم را نجات دهند و به تعهدی که در کار خود داده اند، کاملاً پایبند هستند. همه ما در چشم های آتش نشان ها، عشق را دیده ایم و چه چیز دیگری جز عشق می تواند چنین روحیه فداکارانه ای به انسان دهد؟ در تقویم جهانی ۴ می روز جهانی آتش نشان است و هدف از نام گذاری روز جهانی آتش نشان این است که از آتش نشانان و سختی کار آن ها و جان باختگان این شغل حمایت و به شغل پر خطر آنان توجه شود. به همین بهانه و در پرونده امروز زندگی سلام به نمونه هایی از رفتار قهرمانانه آتش نشان ها اشاره خواهیم کرد که هیچ گاه فراموش نخواهند شد.

## رئییسی که در میدان عملیات های خطرناک

### نفر اول بود

چه کسی؟ رضا دارابی، سال ۱۴۰۱

اسفند سال گذشته رئیس ایستگاه ۱۲۰ آتش نشانی تهران در حین اطفای حریق ساختمان ۱۵۳ خیابان بهار تهران به دلیل شدت جراحات ناشی از سقوط در چاهک آسانسور ساختمان به شهادت رسید. نکته جالب توجه این است که شهید دارابی ریاست یکی از ایستگاه های آتش نشانی را بر عهده داشت. خواهرزاده شهید دارابی در متنی که در شبکه های اجتماعی منتشر کرد، این گونه از دغدغه دایی بزرگوار خود برای خدمت به مردم نوشت: «یک بار بهش گفتم تو الان رئیس ایستگاهی اصلاً وظیفه نداری بری تو دل حریق! گفت: من نرم و بچه های مردم را بفرستم تو دل آتش؟ اونا هم مثل من، منم مثل اونا، تا توانش رو دارم می رم تو دل میدان. همیشه در هر شرایط و خطری نفر اول می رفتم تو حریق، قبل از نیروهایش. یادم نمی ره روز پلاسکو شیفت نبودی ولی رفتی سر حادثه و چهار روز خونه نیومدی. یادم نمی ره بعد از پلاسکو به روزه ۱۰ سال پیر شدی. یادم نمی ره روز پلاسکو بهت زنگ زدم بر داشتی، گفتمی زنده ام و قطع کردی.»



## زندگی نباتی بعد از نجات یک پدر و دختر

چه کسی؟ صالح امانی، سال ۱۴۰۰

اهالی کوی فردوس تبریز متوجه شعله های آتشی شدند که اردیبهشت ۱۴۰۰ از طبقه اول ساختمانی ۷ طبقه در این منطقه زبانه می کشید. مردی به همراه دختر ۱۳ ساله اش در آپارتمانشان گرفتار شدند. این آپارتمان کانون اصلی آتش سوزی بود، جایی که ریختن مواد سریع الاشتعال در آن جابجاء ایجاد آتش سوزی شده بود و محل آتش سوزی به گونه ای بود که مسیر ورود به داخل آپارتمان را مسدود کرده بود و پدر و دختر قادر نبودند خودشان را از این مهلکه نجات دهند. در این شرایط تیم اصلی جست و جو و نجات وارد ساختمان شدند. آن ها وقتی به طبقه اول رسیدند، با چنان آتشی روبه رو شدند که ورود به داخل ساختمان را برای هر کسی غیر ممکن ساخته بود. با این حال آتش نشانان فداکار دل به آتش زدند تا خودشان را به پدر و دختر گرفتار برسانند. آن ها با عبور از میان آتش وارد آپارتمان شدند اما هنگام عملیات نجات یکی از آن ها به نام صالح امانی دچار حادثه شد و از هوش رفت. این مرد قهرمان که جوانی حدود ۲۸ ساله و به تازگی به استخدام آتش نشانی درآمده بود، در این حادثه چنان آسیب دید که به کما رفت و حالا به زندگی نباتی ادامه می دهد.



## مرگ مغزی بعد از دادن ماسک اکسیژنش

### به دختر ۸ ساله

چه کسی؟ امید عباسی، سال ۱۳۹۲

امید عباسی مأمور آتش نشانی که در سال ۱۳۷۹ به استخدام سازمان آتش نشانی تهران درآمده بود، برای اطفای حریق در طبقه دهم یک ساختمان مسکونی در شهر کاباقری تهران از جان خودش گذشت تا ریحانه راجات دهد. «عباسی» خودش را به راهروی خانه شعله ور و پر دود رساند، چند قدم جلوتر رفت و صدای ریحانه را از اتاق روبه رویش شنید که شعله های آتش از چارچوب در ورودی اش به بیرون زبانه می کشید. آتش نشان فداکار به سرعت ماسک تنفس را از چهره خود برداشت و به صورت دختر بچه زد، بعد پتویی را که در دست داشت روی سر او کشید و تلاش کرد از میان آتش و دود بیرون بیاید. وقتی ریحانه را نجات داد، در راهروی ساختمان روی زمین افتاد و همکارانش از نیروهای اورژانس کمک خواستند. عوامل اورژانس وقتی خود را به بالای سر این آتش نشان فداکار رساندند، پی بردند که او به دلیل مسمومیت گاز و نرسیدن اکسیژن به حالت کما رفته است. امید عباسی را به بیمارستان منتقل کردند، اما پس از گذشت کمتر از ۲۴ ساعت، او را که به علت مسمومیت، دچار مرگ مغزی شده بود برای استفاده از اعضای بدنش آماده کردند زیرا خود او بابت نام دریافت کار ت اهدای عضو آمادگی اش را برای آن اعلام کرده بود.



## لحظات پر اضطراب آتش نشان ها در متروپل

چه سالی؟ ۱۴۰۱

۲ خرداد ۱۴۰۱ خبر فروریختن ساختمان متروپل در آبادان همه را شوکه کرد. مثل دیگر حوادث عظیم، آتش نشانان در حادثه متروپل آبادان هم در خط اول امداد رسانی بودند. آن ها از نخستین دقایق وقوع حادثه و در پر اضطراب ترین لحظات آواربرداری برای امداد رسانی پای کار بودند تا شاید مرهمی روی زخم خانواده جان باختگان بگذارند. عملیات آواربرداری حادثه متروپل با عملیات حادثه پلاسکو فرق داشت. ساختمان پلاسکو به یک باره فرو ریخت اما در متروپل هر لحظه امدادگران با خطر بالقوه فرو ریختن قیبه ساختمان روبه رو بودند و از روز اول سازه بسیار ناپایدار بود. با این حال شاهد حضور بیش از ۲۰۰ آتش نشان از اهواز، ایلام، فارس، اصفهان، مشهد، تهران و... بودیم که به طور شبانه روزی در فعالیت های مختلفی از جمله آواربرداری از ساختمان متروپل، امداد رسانی و یافتن اجساد در زیر آوار حضور داشتند.



## شرح پریشانی پلاسکو و قهرمانانش

چه سالی؟ ۱۳۹۵

چهارراه استانبول، آدرسی یکی از غم انگیزترین مکان هایی است که ایران به خود دیده است. این آدرس به ساختمان پلاسکو ۳۰ و ۹۵ ختم می شود. روزی که طبقه های هشتم و نهم این ساختمان گرفتار آتش شدند. گزارش به ایستگاه های آتش نشانی رسید و در نهایت وقتی هنوز تعداد زیادی از آتش نشان ها و شهروندان در آن بودند، فروریخت. قصه زندگی این آدم ها در ظاهر برای همیشه تمام شد اما حکایت جوانمردی و فداکاری قهرمانانه آن ها هیچ وقت تمام نمی شود. این حادثه ۱۶ آتش نشان شهید داشت که در ادامه به قصه دو شهید و یک نجات یافته از آتش اشاره می کنیم.



**سعید کمانی** زنده ماندن سعید کمانی در حادثه پلاسکو شبیه معجزه است. او در لحظه فروریختن ساختمان در بلندترین ارتفاع و در فاصله ۲-۳ متری حریق ایستاده بود و آتش را خاموش می کرد. او و همکارش آن روز برای اطفای حریق

ساختمان پلاسکو تمام ۵۴ متر زنده بان خود را باز کرده بودند تا به طبقاتی برسند که در گیر آتش بود. کمانی حتی وقتی دستور تخلیه ساختمان آمد، حاضر به ترک محل کار خود نشده و صحنه های تلخی را به چشم خود دیده است. مکالمه نیمه تمام او با همکارش وقتی می خواست خودش را از ساختمان به بالا برنوردان برساند و ساختمان فروریخت یکی از همین صحنه هاست.

**امیر حسین داداشی** امیر حسین شب قبل از آتش سوزی پلاسکو خودش را برای امتحان دانشگاه آماده می کرد. جزوه تمرینش هنوز در اتاقش هست. روزی که پلاسکو آتش گرفت، امیر حسین امتحان داشت و صبح زود به دانشگاه رفته بود اما سر جلسه امتحان وقتی خبر آتش سوزی را شنید، همه چیز را رها کرد و خودش را به چهارراه استانبول رساند. شاید می خواست خودش را در امتحان بزرگتری بسنجد. دوستان امیر حسین گفته اند او تا آخرین لحظات زیر بار جایگزین شدن با نفرات تازه نفس نرفته است.

**حامد هوایی** حسام و حامد دوقلو بودند. حسام زودتر وارد آتش نشانی شده بود و حامد هم عاشق ورود به این حرفه بود. آن قدر تلاش کرد تا از مومن های ورودی را گذرانند و موفق شد لباس آتش نشانی را بپوشد. روزی که پلاسکو آتش گرفت، حامد در ایستگاه قلعه مرعی مشغول خدمت بود. هم شیفت کاری او بود و هم شیفت کاری حسام که در یک ایستگاه دیگر کار می کرد. حامد و حسام هر دو در عملیات اطفای حریق پلاسکو حضور داشتند اما وقتی ساختمان فروریخت، حامد در دل آتش بود. حامد شهید شد و در آخر هم از پیکر او تنها چند استخوان را که با آزمایش DNA شناسایی شده بود، به خانواده اش تحویل دادند.



## جان فشانی یک سال مانده به باز نشستگی

چه کسی؟ بابک جوذری، سال ۹۴

این آتش نشان فداکار که هنگام عملیات اطفای حریق و امداد و نجات در حادثه آتش سوزی هتل هرمز، فرماندهی تیم عملیاتی ایستگاه شمار یک را به عهده داشت، پس از نجات چندتن از ساکنان هتل، به دلیل مسمومیت ناشی از دود، دچار ایست قلبی شد. برادرش در باره اتفاقات آن روز گفته: «همکار آتش به من گفته اند که وقتی داشتند آتش را خاموش می کردند صدای فریادهای آن هایی که در آتش مانده بودند به گوش برادرم خورد که داد می زدند «به دادمان برسید». برادرم همراه یکی دیگر از همکارانش با زدن آتش نشانی به طبقه دوم رفت. آن جا کپسول آتش نشانی و ماسک خودش را به مصدومان داد اما وقتی می خواست بانردبان برگردد به دلیل شدت گاز گرفتگی، همان جاری نردبان در هوا اویزان شد. متأسفانه وقتی او را به بیمارستان رساندند، جانش را از دست داد... اخوی ام یک سال دیگر باز نشسته می شد.»



## فداکاری بسیار خطرناک در دل سیل

چه کسی؟ قادر اصلا نگیر، سال ۹۸

آب رودخانه نواب قزوین بالا آمده بود و مردم از بالای پل میدان تره بار در حال تماشای دست و پا زدن پسر جوان بودند و کاری از دست شان بر نمی آمد. سیل پسر جوان را با سرعت زیادی با خود می برد و این پسر هم در میان آب دست و پا می زد و سعی داشت هر طور که شده نفس بکشد. در آن لحظات تلخی که هیچ کس تصور نمی کرد این پسر بتواند جان سالم به در ببرد، آتش نشانان قزوین رسیدند. آتش نشان «قادر اصلا نگیر» به داخل آب رفت و حتی لحظه ای هم درنگ نکرد. سرعت و وسعت آب آن قدر زیاد بود که خطر در کمین این آتش نشان فداکار هم بود ولی او به این چیزها فکر نکرد. باین که با لباس آتش نشانی و کلاه سنگین تر می شد و امکان داشت در آب غرق شود، وقت را تلف نکرد با همان لباس ها جانش را کف دستش گذاشت و به دل آب زد. با هر سختی بود این جوان را زنده از آب ها بیرون کشید و تحویل اورژانس داد.



## بررسی نهایی برای در خطر نبودن جان حتی یک نفر

چه کسی؟ محسن لک، سال ۱۴۰۰

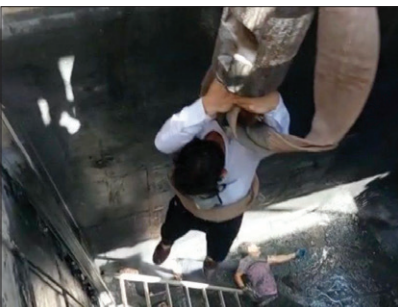
یک مجتمع مسکونی هفت طبقه در فاز ۵ شهر اندیشه گرفتار آتش شده بود. دود و حرارت بسیار بالای ناشی از آن موجب محبوس شدن تعدادی از ساکنان در ساختمان شده بود، بنابراین عملیات آتش نشانان شروع شد. با استفاده از تجهیزات کامل فردی و بستن دستگاه های تنفسی همزمان یک گروه وارد طبقات ساختمان و در همان لحظات اولیه موفق شدند بیشتر ساکنان را سالم از ساختمان خارج کنند، «محسن لک» هم دوپرواز و یک مرد را از میان دود و آتش نجات داد، اما فر مانده برای بررسی نهایی، دوباره وارد ساختمان شد تا مطمئن شود که آتش جان هیچ فردی را تهدید نمی کند. دقایق پشت هم می گذشت اما محسن خبری نبود. بی سیم را جواب نمی داد و همین موضوع باعث شد این مأموریت برای آتش نشانان تلخ تر از همیشه شود. اکسیژن دستگاه تنفسی فرمانده به اتمام رسید و او برای نجات جان هموطنانش از خودش گذشت.



## بیهوش شدن برای نجات کارگر بیهوش شده

چه کسی؟ بهزاد وظیفه، سال ۱۴۰۱

شهریور سال ۱۴۰۱ فداکاری آتش نشان پارس آبادی برای نجات کارگران آب و فاضلاب، در شبکه های اجتماعی پربازدید شد. به دنبال حادثه رخ داده برای کارگران آب و فاضلاب پارس آباد که حین کار در داخل چاه، دچار گاز گرفتگی شدید و بیهوش شده بودند، یکی از آتش نشانان پارس آبادی برای نجات آنان وارد عمل شد. این آتش نشان فداکار که نامش بهزاد وظیفه است در حین نجات کارگران آب و فاضلاب، دچار گاز گرفتگی شد و بیهوش در چاه افتاد. در ویدئوی منتشر شده، اطرافیان این آتش نشان از او می خواهند تا رسیدن امکانات و تجهیزات دست نگه دارد اما او ارضی نمی شود و با دست خالی و بدون کپسول، به دل خطر می زند. در این عملیات، این آتش نشان فداکار بعد از نجات دو کارگر، در نجات کارگر سوم دچار گاز گرفتگی و بیهوش می شود و در چاه فاضلاب می افتد که چند دقیقه بعد توسط امدادگران بیرون کشیده می شود.



منابع این پرونده: همشهری آنلاین، تسنیم، برترین ها، ایستا، فارس و...



ZENDEGI-SALAM  
ضمیمه روزنامه خراسان  
پنج شنبه • ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۲  
۱۳ شوال ۱۴۴۴ • ۴ می ۲۰۲۳  
شماره ۳۱۴۰۳  
۲۴۲۳